

آمریکای می تواند اسرائیل را متقاعد کند زیرا دیپلماسی عادی شکست خورده است نوشته جیمی کارتر

در ژانویه ۱۹۹۸ با حمایت کامل اسرائیل و در پاسخگویی به دعوت سازمان آزادی بخش فلسطین مرکز کارتر در امر برگزاری یک انتخابات دموکراتیک در ساحل غربی رود اردن و غزه کمک کرد. این انتخابات آزادانه، منصفانه و سازمان یافته انجام شد.

در آن انتخابات ۸۸ نفر برای عضویت در مجلس خودگردان فلسطین انتخاب شدند و عرفات نیز به عنوان رییس انتخاب گردید. بنابراین، چه از نظر حقوقی و یا عملی مردم فلسطین تشویق شدند تا حکومت خود را با این انتظار که به زودی حق حاکمیت کامل را به عنوان یک کشور خواهند داشت، دولت خود را تشکیل دهند.

با پایان انتخابات من تلاش گسترده ای را برای متقاعد ساختن رهبران حماس برای پذیرش نتایج انتخابات و

لوله جایگزینی قابل ارایه ای برای نفت قزاق - آذری (از طریق باکو - سوپسا) وجود دارد که در نقاط گرهی بسفر را دور بزند، به ویژه از هنگام عملیاتی شدن گاز خط لوله تویکیز - نوروسیک در این تابستان که میزان کل صادرات نفت قابل صدور از دریای سیاه به اروپا را ۵۶۰ هزار بشکه در روز افزایش می دهد و در فاصله سالهای ۲۰۰۳-۲۰۰۴ مقدار آن به ۱,۲۴,۰۰۰ بشکه می رسد؟

پاسخ: پیشنهادات چندی در مورد آوردن نفت از طریق بلغارستان به یونان، از طریق اکراین تا خط لوله های اصلی روسیه وجود دارد و حتی شما می توانید بسفر را دور بزنید، در همان حال که نفت را در خاک ترکیه نگاه می دارید. در اینجا نیز مسئله همانا هزینه است. به یقین، نوعی تشنگی برای نفت در اروپا وجود دارد که به این زودی برطرف نخواهد شد و تعدادی از گزینه ها هم ممکن است به شکلی قابل اجرا خاتمه یابد.

منبع:

Defensor Pacis
File://G:\Files\ 010103- htm

عرفات به عنوان رهبر به عمل آوردم. من در پیامی که برای آنها ارسال کردم مشارکت کامل در فرایند ایجاد یک چارچوب قانون اساسی دایمی برای هویت سیاسی تازه را به آنها پیشنهاد کردم اما آنها از پذیرش این پیشنهاد خودداری کردند، به رغم این نتایج آن هنگام زمان صلح و امید بود و هیچ نوع تهدیدی از خشونت وجود نداشت.

موقعیت قانونی مردم فلسطین از آن هنگام نیز تغییری نکرده است اما گرفتاریهای آنان ناامیدی را گسترش داده است.

آریل شارون مرد نیرومندی است که هرگز در اظهارات عمومی خود دوبهلو سخن نگفته و از هدف نهایی خود نیز منحرف نگردیده است. این مسئله را می توان در امتناع او از پذیرش تمام توافق نامه هایی که اسرائیل برای خروج از سرزمینهای عرب امضا کرده است، تهاجم او به لبنان، دیدار تحریک کننده او از تبه معبد در بیت المقدس، نابودسازی روستاها و خانه ها، بازداشت هزاران فلسطینی و نافرمانی صریح او از درخواست پرزیدنت جرج دبلیو بوش برای پذیرش قوانین

بین المللی در کنار همدیگر به منظور کامل کردن هدفهای نهایی او؛ یعنی، تاسیس شهر کهای یهودی در گستره ای هر چه بزرگتر در سراسر مناطق اشغالی و انکار فلسطینی ها به عنوان یک موجودیت سیاسی منسجم ملاحظه کرد.

برای طرف دیگر یعنی عرفات نیز جای سرزنش کافی وجود دارد. حتی هنگامی که او آزاد بود و از داشتن قدرت سیاسی لذت می برد، هرگز کنترلی بر حماس و سایر فلسطینی های رادیکال که مفهوم موجودیت صلح آمیز را نفی می کنند و بنابراین هر وسیله ای را برای رسیدن به اهداف مجاز می دانند، اعمال نکرد.

محکوم سازی نادر و دیر هنگام خشونت از سوی عرفات نیز که، گاهگاهی و اغلب به زبان انگلیسی صورت گرفته، به احتمال ریاکارانه بوده است ممکن است او حملات انتحاری را به عنوان یکی از محدود راههای تلافی علیه شکنجه گران خود بداند و برای تبرئه کردن رنجهای مردم خودش از آن سود جوید، و یا به عنوان وسیله برای شهیدنمایی او باشد.

سیاستهای شارون نیز به شکل غم‌انگیزی به شدت این عناصر و حمایت‌های مردمی از آنان را تقویت نمود و مردان و زنان جوان گمراه شده را برای فداکردن زندگی‌های خودشان در حمله به شهروندان بی‌گناه اسرائیل تشویق نمود.

خودکشی بمب‌گذارانه نفرت‌آور نیز زبان‌بخش هستند زیرا دلایل عمل فلسطینی‌ها را بی‌اعتبار می‌سازند و به همیشگی کردن اشغال نظامی و ویران‌سازی روستاها، کمک و تلاش در راه صلح و عدالت را با مانع روبه‌رو می‌کنند. با این حال، وضعیت ناامیدانه نیست و با کار بست قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و از جمله قطعنامه ۲۴۲ سرانجام راهی به سوی صلح وجود دارد. متن این قطعنامه همین اواخر در پیشنهاد ولیعهد عربستان سعودی شاهزاده عبدالله که به شکل گسترده‌ای انتشار یافته دوباره توضیح داده شده است. پیش‌فرض اساسی همه این قطعنامه‌ها خروج اسرائیلی‌ها از سرزمین‌های فلسطینی در عوض پذیرش کامل اسرائیل و حقوق اسرائیلی برای زندگی در صلح از سوی اعراب است. این امر راه حل معقولی

برای بسیاری از اسرائیلی‌ها است که در سال ۱۹۷۸ نیز به وسیله مناخیم بیگیم، نخست‌وزیر اسرائیل پذیرفته شد و مورد تصویب مجلس اسرائیل نیز قرار گرفت.

بر این اساس مصر که بیشترین تهدید را متوجه اسرائیل می‌کرد، با ایجاد روابط کامل دیپلماتیک با اسرائیل واکنش نشان داد و از حقوق اسرائیلی‌ها از جمله استفاده آزادانه از کانال سوئز استقبال کرد. چنین کاری الگویی را برای آنچه می‌توان انجام داد پیش‌روی تمام ملت‌های عرب نهاد. اعراب و اسرائیل در جریان مذاکرات سازنده هر دو می‌توانند بعضی از اصلاحات را در مورد خطوط مرزی ۱۹۶۷ متذکر شوند، بیت‌المقدس شرقی می‌تواند بدون ایجاد مانع برای دسترسی به این مکان مقدس به طور مشترک اداره شود. همچنین، حق بازگشت نیز می‌تواند با دادن اجازه به معدودی از فلسطینی‌های جا به جا شده برای بازگشت به سرزمین اصلی و یا دادن غرامتی عادلانه به دیگران مورد بررسی قرار گیرد. برای جامعه بین‌المللی نیز پرداخت چنین هزینه‌ای سرمایه‌گذاری خوبی خواهد بود.

با وجود پشتیبانی حاضر و بالقوه متفقانه جامعه بین المللی، دولت ایالات متحده می تواند در وضع نابسامان و گیج کننده موجود چنین راه حلی را تحقق بخشد. تقاضاها در هر دو طرف باید آن قدر آشکارا منصفانه و متوازن باشد که حداقل اکثریتی از شهروندان در مناطق تاثیرپذیر آن را تایید کنند و یک نیروی بین المللی بتواند با توجه به مواد صلح توافق شده، آن را با رضایت به اجرا بگذارد، همان گونه که در مورد صحرای سینا در ۱۹۷۹ در پی بیرون رفتن نیروهای اسرائیلی از سرزمین مصری به اجرا درآمد.

در حال حاضر دو عامل موجود هستند که تلاشهای امریکاها را در متقاعد کردن با چشم انداز موفقیت روبه رو می سازد.

۱. مقررات حقوقی که براساس آن باید سلاحهای امریکایی توسط اسرائیل فقط به منظور دفاعی مورد استفاده قرار گیرد و این پیش فرض است که به یقین در ویران سازی اخیر اردوگاه جنین و دیگر شهرهای کرانه غربی نقض شده است. ریچارد نیکسون (رییس جمهور پیشین

امریکا) این مقررات را برای متوقف ساختن شارون و ارتش اسرائیل برای پیش روی در خاک مصر در جنگ ۱۹۷۳ تحمیل نمود و من از همان مقررات برای بازداری اسرائیلی از جمله به خاک لبنان در ۱۹۷۹ استفاده کردم (البته بعد از آن که من کاخ سفید را ترک کردم یک حمله همه جانبه به وسیله شارون انجام گرفت)؛

۲. عامل متقاعد کننده دوم مبلغ ۱۰ میلیون دلار پرداختی روزانه در قالب کمک امریکا به اسرائیل است. پرزیدنت جورج بوش پدر در سال ۱۹۹۲ برای جلوگیری از ساختن شهرکهای اسرائیلی میان بیت المقدس و بیت لحم، اسرائیلی ها را به قطع آن تهدید کرد.

من حساسیت فوق العاده در مورد سیاست موجود در امریکا را برای استفاده از ابزارهای متقاعد سازی در مورد اسرائیلی درک می کنم. اما مهم است یادآوری شود که هیچ عملی در جهت صلح شامل تجاوز و تخطی نسبت به حاکمیت سرزمین اسرائیل نخواهد بود. این حقوق همان گونه که از نظر بین المللی برای اسرائیلی ها شناخته شد در برگیرنده

سرزمینهای مصری ها، لبنانی ها و فلسطینی ها نیز می شود.

موقعیت موجود غم انگیز است و به احتمال بدتر هم خواهد شد. تلاشهای عادی دیپلماتیک با شکست مواجه شده است. اکنون زمان آن رسیده که ایالات متحده امریکا به عنوان تنها میانجی شناخته شده، عملیات قدرتمندانه بیشتری را برای رسیدن به صلح مورد ملاحظه قرار دهد. باقی مناطق از این رهبریت حمایت خواهند کرد.

۱- جیمی کارت رییس جمهور پیشین ایالات متحده امریکا (۱۹۸۱-۱۹۷۷) رییس مرکز کارتر است که در سطح جهان برای پیش برد صلح و سلامت انسان تلاش می کند. وی این مطلب را به نیویورک تایمز ارائه نموده است.

ترجمه: علی رستمی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی